

سرشناسه	: قادروف، کریم‌جان، ۱۹۳۰ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: میرسیدعلی همدانی و ریاض حقایق عرفان / نویسنده کریم‌جان قادراف، مهدی بخشی، محمد فرزانهجو
مشخصات نشر	: تهران: ایران جام، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص؛ ۱۴×۵/۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-8379-95-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۳ - ۲۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: همدانی، علی بن شهاب الدین، ۷۱۴ - ۷۸۶ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: عرفان
موضوع	: عارفان -- قرن ۸ق. -- سرگذشتنامه
شفا به افزوده	: بخشی، مهدی، ۱۳۵۸ -
شفا به افزوده	: فرزانهجو، محمد، ۱۳۴۲ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۱۳۹۳ ۱۳۹۳/۵۸
رده بندی دیویی	: ۸۹۲۴/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۴۲۶۶۹



میرسیدعلی همدانی و ریاض حقایق عرفان

نویسنده: پروفیسور کریم جان قادراف

دکتر مهدی بخشی - دکتر محمد فرزانهجو

ناشر: انتشارات ایران جام

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۳۹۴ خورشیدی

نوبت چاپ: نخست

شابک: ۹۵-۲-۹۵۸-۸۳۷۹-۹۶۴-۹۷۸

نشانی ناشر: تهران - خیابان آزادی - جنب پارک اوستا - کوچه ی

کیان مهر - پلاک ۸

انتشارات ایران جام

(مرکز نشر و پژوهش های ایران شناسی)

تهران - صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۱۷۱

فهرست

۷.....	مقدمه
۲۳.....	باب اول
۲۳.....	منابع عرفانی میرسید علی همدانی
۲۵.....	عرفان
۲۵.....	عرفان عملی
۲۶.....	عرفان نظری
۲۸.....	علم عرفان
۴۱.....	اولین منزل
۴۳.....	تمرین و ریاضت
۴۴.....	توحید عرفانی
۶۱.....	باب دوم
۶۱.....	عرفان و تصوف
۷۲.....	حل مشکل
۷۳.....	فتوت
۸۸.....	عرفان و شعر
۱۱۸.....	عشق عرفانی

۶ میرسید علی همدانی و ریاض حقایق عرفان

باب سوم.....	۱۲۵
مثنوی «هفت وادی».....	۱۲۵
باب چهارم.....	۱۵۹
رساله «مشارب الاذواق».....	۱۵۹
اصطلاحات عرفانی.....	۱۸۸
باب پنجم.....	۱۹۳
پژوهش عرفانی دو مصدر اسلام در رساله‌های.....	۱۹۳
رساله «منهاج العارفين».....	۱۹۳
رساله «اوراد فتحیه».....	۲۰۲
رساله «لستایین در فضیلت‌های امیرالمؤمنین».....	۲۱۳
باب ششم.....	۲۲۵
منزلت عرفان در کمال تشایق انسانی.....	۲۲۵
باب هفتم.....	۲۵۳
فعالیت «ارشادی» و «اصلاحی».....	۲۵۳
منبع‌ها.....	۲۶۳

به نام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه

هدف ما در تألیف کتاب مذکور در باب ریاض حقایق عرفان میرسید علی همدانی آن است که اسلوب عرفانی و مذهب خدانشناسی را در افکار یکی از بزرگان راه طریقت تحقیق نماییم. در تألیفات مذکور سیر عرفانی عابد، تحولات عرفانی میرسید علی همدانی که به قرآن و حدیث وابستگی قوی دارد، مورد بحث قرار گرفته‌اند. اصطلاحات خالق و امر و کثرت و وحدت را که میرسید علی همدانی تشریح می‌دهد و رسیدن به جان پاک را هدف خویش می‌داند، مورد تحلیل قرار داده‌ایم. اندیشه سه گانه خلق، حلول و صدور که وجه غایی میرسید علی همدانی است، عقیده او در باره خلقت انسان که اساس آن تأویل قرآن است و رابطه میان انسان و خدا تشریح یافته‌اند. میرسید علی همدانی می‌نویسد: «... راضی شدیم به خدای تعالی به پروردگار بودنش و به اسلام بر دین بودنش و به محمد صلی الله علیه و سلم به نبی بودنش و رسول بودنش و به قرآن ...»^۱

در مورد شرح حال و آثار قطب‌العارفین میرسید علی همدانی نخستین بار

۱ - میرسید علی همدانی، اوراد فتحیه (تهیه رجب عصازاده و حاتم عصازاده). - دوشنبه، سال

میریدان صادق او نورالدین جعفر بدخشی «خلاصة المناقب» و حیدر بدخشی «مستورات» را تألیف نمودند. در «نفحات الانس» عبدالرحمان جامی، «آتشکده»ی لطفعلی بیگ آذر، «جوهر الاسرار» حسین سبزواری، «روضه الجنان» حافظ کربلایی، «خزینة الاسفیا» غلام محمد ترابی، «مجلس العشاق» میر سلطان حسین محمد قاسم هندوشاه، «تاریخ فرشته»ی ملا محمد قاسم هندوشاه پهلویهای گوناگون تولد و مکان ولادت و تبار و نسب مورد بررسی قرار گرفته اند.

تحقیقات سیده اشرف ظفر «سید میر علی همدانی»، مولانا محمد قاسم بخارایی «اتفاق قلیسیه» و «اقوال»، «شاه همدانی» سید حسین شاه همدانی، «ذریات رسول»، «عروة الوثقی» و «مجموعه الوسائل» مولوی سید محمد همدانی، محمد ریاض «احوال، آثار و اشعار میرسید علی همدانی»، «مروج اسلام» پرویز اذکایی، «سالار عجم» سید عبدالرحمان همدانی، «صحيفة الصلوك» صدرالدین رفاعی، «شاه همدان» شمس الدین احمد، «بزرگان و سخنریان همدان» درخشان مهدی، «هفت اقلیم» امین احمد راضی، «شرح مرادات دیوان حافظ» با خود «مرادات» ایرج گلیسورخی، «روضه الجنان و جنت الجنان» با تصحیح و تحقیق جعفر سلطان القزایی، «شرح حال میرسید علی همدانی» سید محمود انوری در تحلیل احوال و آثار میرسید علی همدانی شایسته تأکیدند.

در شرح احوال و آثار میرسید علی همدانی با زبانهای گوناگون رساله و کتابها نوشته شدند، اما معمولاً در این نوشته‌ها تنها ذکر احوال و آثار میرسید علی همدانی توضیح یافته‌اند. در این تحقیقات تحلیل نظرهای اساسی میرسید علی همدانی از تحقیق انتقادی بیرون مانده‌اند. نقطه‌های عرفانی که بیان آنها جهان‌بینی او را عتیق می‌نماید، باقی مانده‌اند. این وضع هنگامی که آثار عظیم عرفانی میرسید علی همدانی تحلیل می‌یابد، آشکار می‌گردد.

شناخت اندیشه‌های عرفانی میرسید علی همدانی ثابت می‌نماید که اندیشه‌های او محصول چند صدساله کوششهای فکری و اوالمیم گوناگون مذهبی و عرفانی است. اندیشه‌های عرفانی میرسید علی همدانی حاصل تفکر و بحثهای صدها تن از بزرگان علم عرفان را پیش از او داشته‌اند. میرسید علی همدانی مجموع عجیب معنی است که سرانجام به صورت واحد آمده است و باید آن را به خوب شناخت و نیروی آن را یافته، در باره او نظر خویش را مقایسه کرد.

مثنوی «هفت واحد» میرسید علی همدانی چنین مجموعه روحانیست که آن را متفکر برای درمان روح و نفس نوشته است که ترکیب آن معنی افکار اسلامی است. او در کار خود عارف است، مهتر از این متفکر است که به اسرار خلقت نظر دارد. جمع اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی میرسید علی همدانی در کتاب «ذخیره الملوک» تقدیم خوانندگان گردیده است که در اشارات عرفانی تدوین یافته است. در باب «ذخیره الملوک» عبدالغنی ختلانی گفته است:

روایتهايش اگر خانی،

ذخیره الملوک دانی

کتاب وردهایش را،

به بعد فجر اگر خوانی.

به حق کردگار پاک،

ز غفلتها تو دور مانی.^۱

در حقیقت میرسید علی همدانی نماینده برجسته فکر عرفانی است و بحثهای خود را در «ذخیره الملوک» به وحدت وجود می‌رساند. مؤلف کتاب قسمت زیادی را از مقالات عارفان اسلامی آورده است. میرسید علی همدانی در این کتاب به اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی و دینی توجه نموده است.

تحقیق در باره میرسید علی همدانی از آن جهت جالب است که او بزرگترین متفکر عرفان بوده، بیشتر مسئله‌های فلسفه و دینی را مورد تحلیل قرار داده است. آثار میرسید علی همدانی از تمام اندیشه‌های فلسفی و کلام جهان اسلام قرن سیزده میلادی درک می‌دهد. او ترغیب گر معارف اسلامی و نظام آن در ایران و هند و پاکستان و خاندان است و طریقه اندیشه‌هایش آشکارا از قرآن و حدیث بار گرفته‌اند. میرسید علی همدانی ۱۲ ماه رجب سال ۷۱۴ هجری قمری مطابق با ۱۲ ماه اکتبر سال ۱۳۱۴ میلادی در شهر همدان ایران به دنیا آمده است. میرسید علی همدانی در باره زادگاهش گفته است:

پرسید عزیزی که علی اهل کجایی
گفتم به ولایات علی کز همدانم
نی زان همدانم که ندانند علی را،
من زان همدانم که علی را همدانم^۱

نورالدین جعفر بدخشی در «خلاصه المناقب» می‌نویسد که با میرسید علی همدانی «... سه بار از مشرق تا به مغرب سفر کردم. بسی عجایب در بحر و بر دیده شد و هر بار به شهری و ولایتی رسیدم، رسم و عادت اهل آن موضع طریق

۱ - نورالدین جعفر بدخشی، خلاصه المناقب، دستخط پژوهشگاه شرق‌شناسی آکادمی علوم جمهوری ازبکستان به نام ابوریحان بیرونی، رقم ۲۳۱۲.

دیگر دیدم ...»^۱

حاجی اسحاق ختلانی در این مورد گفته است:

دیگر شیخ شیخیم که او سید است،

علی نام و الوندیه مولد است.

بگشت او جهان را سراسر سه بار،

بدید اولیا چارصد با هزار ...»^۲

میرسید علی همدانی ۶ ذی الحجة سال ۷۸۶ هجری قمری مطابق به ۱۹ ژانویه سال ۱۳۸۶ میلادی در ولایت کنار افغانستان از دنیا رحلت نمود. غلام سرور لاهوری در «خزینة الاسفیا» نوشته است: «بعد وفات آن جناب در باب دفن مابین سلطان محمود، والی پیکهلی و خدام آن جناب نزاع عظیم به وقوع آمد که سلطان محمود می خواست که نعش مبارک آن جناب را در پیکهلی دفن کنند و خدام نمی خواستند و اراده بردن نعش به ختلان داشتند. آخر، شیخ قوام الدین بدخشی که از یاران دمساز و محرمان همراه آن جناب بود، در میان آمد و گفت که از هر دو اهل خصومت هر کسی تابوت شریف را از زمین بردارد، به طرف خود برده پس سلطان محمود و غیره هر چند سعی کردند، پایه تابوت از زمین جدا نشد. چون نوبت به شیخ قوام الدین رسید، به ذات واحد خود بر سر برداشتند و به همراهیان آن جناب به ختلان بردند ...»^۳

در رساله «مستورات» حیدر بدخشی نوشته است که وقتی میرسید علی همدانی

۱ همان جا، رقم، رقم ۲۳۱۲.

۲ نک: رجب عصارزاده و حاتم عصارزاده. پیران کوهستان ختلان - دوشنبه، سال ۲۰۰۶ م، ص. ۵۷.

۳ غلام سرور لاهوری. خزینة الاسفیا - لاهور، سال ۱۹۸۶ م، ص. ۹۳۹.

در ختلان (کولاب) حضرت رسول را در عالم واقعی زیارت کرد از زبان رسالت مآب شنید که مزار او همین جا خواهد بود. میرسید علی همدانی چون به خطه ختلان (کولاب) علاقه مخصوص داشت، از این بشارت خوشحال گردید و زود دو رکعت نماز را به عنوان نافلة گذارید. میرسید علی همدانی این واقعه را به مریدان ختلانی خود بیان نمود و در جواب پرسش آنان که وفاتش کی واقع می‌گردد، گفته است: «سه سال و یک روز و یک شب بعد از این»^۱.

باید گفت که در ختلان دفن شدن میرسید علی همدانی، بین پسر و خویش و نزدیکانش زمینه‌های مشخص تاریخی وجود دارد. طبق منبع‌های تاریخی، میرسید علی همدانی در عصر (قرن) سیزده از همدان به ختلان می‌آید و در آن جا به تبلیغ اسلام مشغول می‌شود. در این مدت او پیروان و مریدان زیادی پیدا می‌کند و بعضی از آنها را به شاگردی قبول می‌نماید. حواجه اسحاق ختلانی یکی از مریدان اوست که بعداً با دختر میرسید علی همدانی ازدواج می‌کند. میرسید علی همدانی در این سرزمین روستایی را خریداری نموده، در آن جا مسجد، مدرسه و کتابخانه بنیاد می‌کند. چند مدت در این سرزمین استقامت داشت و پیش از مرگش وصیت کرد، که جسدش را به ختلان بیاورند و آن جا دفن کنند به همین طریق، شاگردان و مریدان میرسید علی همدانی را در ختلان دفن کردند.

در پیروی از میرسید علی همدانی ادیبان و شاعران زیادی به سرزمین ختلان مهاجرت کردند. من جمله سفر یکی از دانشمندان عصر چهارده هند صوفی کشمیری در منابع اشاره شده است.^۲ صوفی کشمیری در مثنوی «مغاز النبی» در باره

۱ نک: محمد ریاضی. میرسید علی همدانی. پاکستان، سال ۱۹۹۱، م. ص. ۶۴-۶۵.

۲ نک: ضمیره غفارزاده. نظری به روابط ادبی ختلان و هند. - فصلنامه ادبی - فرهنگی رایزنی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، «رودکی»، سال ۲۰۰۶، شماره ۱۱، ص. ۹۸.

مسافرت خویش به ختلان از آن جمله نوشته است:

مشرف شده این فقیر حقیر،

به طوف مزار امیر کبیر.^۱

با معرفت میرسید علی همدانی عرفای ختلانی شناخته شدند، در آثار شاعران این دیار در کنار غزل و قصیده عرفانی مثنویها، داستانهای عارفانه ایجاد گردیدند. شایان ذکر است که رابطه قوی ادبی میان هند و ختلان بیش از همه به اخلاص میرسید علی همدانی توجه دارد که در دوره‌های مختلف تاریخی با شایستگی ادامه یافته است. مسافرت‌های شاعران ختلان به هند ارتباط ادبی را تقویت بخشید. سفر باقی کولابی که در سده چهارده در شهر کولاب به دنیا آمده است، به هند نمونه بارز آن است. با اقدامات میرسید علی همدانی اگر در هند ادبیات فارسی، من جمله آثار ادبی بیدل سرتاسر این منطقه را تسخیر کرده باشد، از معلوماتهای منابع بر می‌آید که ادبیات ختلان نیز فیض انور اشعار و اندیشه‌های بیدل را دریافت و حاجی حسین ختلانی یگانه کسی است که در منبع داستان «کامدی و مدن» میرزا عبدالقادر بیدل با همین نام داستان آفرید. اگر چه مأخذ اساسی داستان حاجی حسین ختلانی اثر بیدل بود، اما مؤلف توانسته است که در پرتو اندیشه‌های بیدل به آفریدن یک اثر مستقل و مکمل، مخصوصاً در تصویر منظره‌های طبیعت دیار خویش، مهارت جالب نشان دهد. این وجه‌های مهم در داستانهای هر دو شاعر محبوب می‌شود. از نظر دیگر داستان حاجی حسین ختلانی با سازگاری زبان، اسلوب، تصویرها و فراگیرهای موضوعهای محلی نیز از داستان بیدل فرق دارد. به عبارت دیگر حاجی

۱ ضمیره غفاراوه. نظری به روابط ادبی ختلان و هند. - فصلنامه ادبی - فرهنگی رابرتی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، «روذکی»، شماره ۱۱، ص. ۹۹.